

## تجربه کشور ترکیه در کنترل تورم

### بهاره عریانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

#### ایران دیلی

یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و برقراری عدالت اجتماعی میان تمامی اقشار جامعه است. بی‌تردید تورم به‌عنوان یکی از معضلات اصلی پیش‌روی اقتصادها، به‌شدت توزیع درآمد را به ضرر افرادی که درآمدهای ثابت دارند و قادر به تعدیل دریافتی خود متناسب با رشد سطح عمومی قیمت‌ها نیستند تغییر می‌دهد و از این منظر مانع تحقق هدف مذکور می‌شود. بر این اساس کنترل تورم به‌عنوان یکی از اهداف اقتصادی سرلوحه برنامه‌های بسیاری کشورها (از جمله ایران) قرار گرفته است و در موارد زیادی شواهدی مبنی بر موفقیت کشورها در مهار این معضل اقتصادی بدست آمده است. نوشتار حاضر بدنبال بررسی، تحلیل و بهره‌گیری از تجربه کشور ترکیه در کنترل تورم است. این امر بدان جهت است که ترکیه از جمله کشورهایی است که طی چند دهه منتهی به سال ۲۰۰۰ همواره با نرخ‌های تورم دو رقمی و بسیار بالا روبرو بوده است. در واقع روند نوسانی و صعودی نرخ تورم ترکیه طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۵ (متوسط نرخ رشد ۵۶ درصدی) مهار تورم را در صدر اولویت مقامات این کشور قرار داد. با اجرای سیاست‌های مهار تورم در این کشور، شتاب تورم با سرعت زیادی کاهش یافت؛ بنحویکه میزان آن از ۸۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۵۴/۴ درصد در سال ۲۰۰۱، ۲۹/۷ درصد در سال ۲۰۰۲، ۱۸/۴ درصد در سال ۲۰۰۳، ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۴ و ۷/۷ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید. البته از اواسط سال ۲۰۰۶ تاکنون این روند کاهنده اندکی افزایش یافته است، بگونه‌ای که در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ این نرخ به ۹/۶، ۸/۸ و ۱۰/۰۶ درصد رسید. در ادامه روند دوباره نزولی شد بگونه‌ای که نرخهای ۶/۵ و ۶/۴ درصد در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ تجربه شد (اگرچه در سال ۲۰۱۱ نرخ تورم این کشور به ۱۰/۴ درصد رسید).

در راستای دستیابی به هدف مهار تورم، مقامات دولتی و بانک مرکزی ترکیه از سال ۲۰۰۰ به‌اجرای برنامه‌های اقتصادی سالانه مبادرت کردند. این برنامه‌ها به‌طور اصلی در سه بخش «سیاست مالی انقباضی با هدف ایجاد مازاد تجاری و تسریع واگذاری شرکت‌های دولتی»، «سیاست‌های درآمدی همراه با هدفگذاری کاهش نرخ تورم» و «سیاست‌های پولی (کنترل نقدینگی)» و «سیاست‌های ارزی (از جمله افزایش انعطاف‌پذیری نرخ ارز)» در جهت کاهش نرخ بهره، تورم و فراهم آوردن چشم‌انداز بلندمدت برای موسسات اقتصادی تبیین

شدند. علاوه بر این از سال ۲۰۰۲ برنامه جامعی با عنوان «هدفگذاری ضمنی تورم در ترکیه» تدوین شد. محورهای اصلی این برنامه را می‌توان کاهش کسری بودجه از طریق کاهش بودجه عمومی دولت؛ تسریع روند خصوصی‌سازی و واگذاری واحدهای دولتی؛ کنترل رشد دستمزدها؛ کاهش انتظارات تورمی از طریق اعتمادسازی (حفظ شفافیت در سیاست‌های کاهش تورم)؛ شناورکردن نرخ ارز به صورت مدیریت شده و آزادسازی (از طریق مقررات‌زدایی، کاهش تعرفه‌های ورود و خروج کالاها و خدمات، افزایش رتبه کشور در تامین سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و سهولت دریافت اعتبار از خارج بویژه اعتبارات کوتاه‌مدت) عنوان کرد.

همچنین اصلاح قانون مالیات‌ها در حمایت از بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری و محوریت رقابت در بازار؛ سالم‌سازی روابط مالی دولت؛ مبارزه جدی و موثر با مفساد اقتصادی و حفظ ثبات سیاسی از دیگر راهکارهای کاهش بودجه عمومی دولت ترکیه بوده است.

در نتیجه اتخاذ اقدامات فوق، نرخ تورم در این کشور به شدت کاهش یافت، بنحوی که در سال ۲۰۱۰ نرخ مذکور به ۶/۴ درصد رسید که حتی از رقم مصوب آن نیز پایین‌تر بوده است. شایان ذکر است طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲ بجز سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۶ عملکرد تورم همواره کمتر از میزان هدفگذاری شده بوده است که به نوبه خود به موفقیت اقدامات ضد تورمی ترکیه اشاره دارد.

در مجموع می‌توان موفقیت ترکیه در کاهش تورم مزمن بدون کاهش رشد تولیدات طی سال‌های اخیر را به‌طور عمده در گرو تثبیت پولی، انضباط مالی و آزادسازی اقتصادی توأم با توسعه خصوصی‌سازی دانست. موفقیت این کشور در کاهش چشمگیر نرخ تورم از این منظر حایز اهمیت است که ترکیه فاقد نفت و درآمدهای نفتی است و بخش مهمی از هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی این کشور و درصد قابل توجهی از تورم موجود در آن ناشی از نوسانات قیمت جهانی حامل‌های انرژی است. براساس آنچه عنوان شد و نظر به عوامل اصلی بروز تورم در اقتصاد ایران (از جمله رشد بالای نقدینگی، عدم انضباط مالی، وجود مشکلات ساختاری و ...)، بهره‌مندی از تجارب کشور ترکیه در کنترل تورم و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب، انضباط مالی دولت، هدایت نقدینگی و کانالیزه کردن آن به سمت فعالیت‌های مولد در اقتصاد می‌تواند راهگشای عمل باشد.